

قطیف / Al-Qatif

شهری تاریخی و واحه‌ای در عربستان سعودی واقع در سواحل جنوب غربی خلیج فارس و بزرگ‌ترین کانون شیعیان در آن کشور.

قطیف در منطقه احسا واقع است و هم‌اکنون تابع شهر حفوف بوده و در میان مراکز مهم نفتی عربستان قرار گرفته است. قطیف در طول تاریخ قطیف نیز نامیده می‌شد. (میرزا محمدی، ۱۳۸۰: ۶۲). قطیف در ۱° و ۵۰° طول شرقی و ۵۶° و ۲۶° عرض شمالی قرار دارد. برخی وجه تسمیه قطیف را به سبب وجود درختانی پرثمر دانسته‌اند و برخی دیگر آن را به معنی ثمار می‌دانند که در اصل معادل واژه یونانی Cateus. نام یونانی این منطقه است. در دوره اردشیر ساسانی، شهر مهم تجاری به نام «خط» ساخته شد که ریشه این کلمه نیز از کتی Kattni گرفته شده که نام یکی از قبایل قدیمی ساکن این منطقه بود که در کتاب‌های جغرافیایی به الغریق شهرت دارند.

از جمله مراکز مهم تابع قطیف در تقسیمات اداری کنونی سیهات، صفوی، توبی و خویلدیه، دارین، ملاحه، جش، ام ساهک، ابومعن، جارودیه، ام حمام، حله محیش، بحاری، نایبه، سنابس، ربیعیه، تاروت، عنک، قدیح، عوامیه، اوجام و زور است. واحه قطیف در اسناد رسمی دولتی به «محافظة القطیف» شهرت دارد. سیهات، صفوی، القدیح، تاروت و عنک از لحاظ کشاورزی و ماهی‌گیری دارای اهمیت هستند. سیهات و صفوی نیز از نظر تعداد جمعیت پس از شهر قطیف قرار دارند و به دو شهر اقتصادی دمام و رأس‌التوره متصل هستند. از مهم‌ترین قبایل این منطقه می‌توان به ازد، ایاد، عبدالقیس، تغلب‌بن وائل، بنی‌شیمان، بنی‌سلیم، تمیم، بکرین وائل، بنی‌سلیم، بنی‌خالد، بنی‌عقیل اشاره کرد که اکثر آنها در مناطق مختلف پراکنده هستند (همان: ۲۶).

آب‌وهوای قطیف از نوع حاره‌ای است و ماه گرم آن از تیر تا اردیبهشت است. در فصل تابستان هوای منطقه قطیف گرم و خشک است. گرمای بالاتر از ۵۰° بیشتر مشاهده می‌شود. در این ماه‌ها، بادهای ساحلی از جنوب به شمال یعنی از خشکی به دریا می‌وزد. بادهای قطیف اغلب در زمستان از شمال غربی به جنوب شرقی است. در ماه‌های تابستان، جریانات هوایی بادهای موسمی شروع به وزیدن کرده و در برخی مواقع طوفان‌های شدید در سواحل مجاور قطیف به راه می‌افتد (همان: ۲۷-۲۶). اما طی ماه‌های دی و بهمن هوا معتدل و میانگین آن به ۱۰° می‌رسد. در قطیف وجود چشمه‌های مهم همچون عین‌الرئیانه، عین‌المصونه، عین‌المنصوری، عین أم السباع و غیره موجب رونق کشاورزی شده است. در تابستان باران به‌ندرت می‌بارد. باوجوداین، در منطقه قطیف چشمه‌ها و چاه‌های آب شیرین بسیار وجود دارد که برای آشامیدن و کشاورزی مصرف می‌شود. گیاهان صحرایی و انواع گیاهان خاردار مانند خارشتر، غاف یا کهور به‌ندرت در قطیف می‌روید. در مناطق کشاورزی به‌خصوص خرما به مقادیر معتدبه به‌دست می‌آید. در بعضی بخش‌های ساحلی قطیف گیاهان مردابی از نوع مانگرو دیده می‌شود.

سرزمینی و مرزی دو کشور افزود. در دسامبر ۱۹۹۰ سران شورای همکاری خلیج (فارس) به دو عضو شورا تا ۱۵ مه ۱۹۹۱ فرصت دادند تا اختلافات خود را حل کنند و در صورت ناکامی موضوع را به دادگاه بین‌المللی ارجاع دهند. پس از سپری شدن مهلت شش ماهه شورای همکاری خلیج (فارس) در نیمه دسامبر ۱۹۹۰؛ قطر این اختلافات را در ژوئن ۱۹۹۱ به دادگاه بین‌المللی لاهه ارجاع کرد. بحرین زیربنای حقوقی این اقدام قطر را به چالش کشید و در نامه‌ای از دادگاه بین‌المللی خواست ترتیبی دهد تا دو کشور با هم موضوع را به آن دادگاه ارجاع دهند. به این ترتیب، قطر شکایت خود را در اواسط ژوئیه آن سال پس گرفت و ارجاع مشترک مسئله به دادگاه را عملی کرد. دادگاه بین‌المللی پس از رسیدگی مقدماتی، مطالعه رسمی موضوع مورد شکایت طرفین را از ۲۸ فوریه ۱۹۹۴ آغاز کرد. دادگاه بین‌المللی در اول ژوئیه ۱۹۹۴ اعلام کرد که براساس فرمول پیشنهادی بحرین، همه مسائل مورد اختلاف دو طرف را مورد بررسی و داوری قرار خواهد داد. این تصمیم به سود بحرین بود، چون «زبارة» در دادخواست بحرین از مسائل مورد اختلاف قلمداد شده اما در دادخواست اصلی قطر مطرح نشده بود. سرانجام دادگاه بین‌المللی در ۱۶ مارس ۲۰۰۱ نتایج بررسی‌ها و تصمیم‌گیری رسمی خود را به شرح زیر اعلام کرد:

- ۱- قطر بر منطقه زبارة و جزیره جنان از مجمع‌الجزایر حوار و بر پایاب دیبال حاکمیت دارد؛
 - ۲- بحرین بر مجمع‌الجزایر حوار حاکمیت دارد؛
 - ۳- قطعه جراد به‌عنوان «جزیره» شناخته شده و در حاکمیت بحرین قرار دارد.
- براساس این تصمیمات، که مورد قبول هر دو طرف دعوا قرار گرفت، مرزهای دریایی دو کشور ترسیم شد (www.Icj-cij.org).

کتاب‌شناسی

- مجتهدزاده، پیروز. ۱۹۹۴، «مصاحبه رادیو بی‌بی‌سی، بخش فارسی، بولتن خیری»، دوشنبه ۲۸ فوریه.
- شرکت مهندسی «مهتاب قدس». ۱۹۹۰، گزارش
- مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۷۳، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس. ترجمه و تنظیم حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- گزارش وزارت امور خارجه ایران. ۱۳۸۴، قسمت ۵، درباره شیخ‌نشین قطر، ص ۱۷۴، شماره ۲۰۲، پرونده ۲، اداره نهم سیاسی.
- مجتهدزاده، پیروز. ۱۳۸۲، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- Belgrave, Charles D. 1960, *Personal Column, Autobiography*, Hitchison.
- Keesing's, Contemporary Archive, The Middle East Review 1992.

پیروز مجتهدزاده

باغات نخل قَطِيف را از دستبرد دزدان دریایی حفاظت می‌کرد. در شهر قَطِيف آثار تاریخی مهم همچون قلعه قَطِيف مربوط به عصر ساسانی و به سبک قلعه‌های ایرانی وجود دارد که قدیمی‌ترین بنای تاریخ سواحل احسا محسوب می‌شود. در دوره اسلامی در این قلعه حدود ۱۱ مسجد وجود داشت و از آن به‌عنوان پایگاه نظامی و مقر حکومتی واحه قَطِيف استفاده می‌شد. در نیمه قرن بیستم میلادی این قلعه به‌دست آل سعود تخریب شد، اما آثار آن همچنان پابرجاست.

قصر تاریخی دارین که از بناهای دوره پرتغالی‌هاست؛ منطقه زاره در عوامیه که پیش‌تر مقر ثانویه حکام بحرین بود؛ مدفن چاوان در صفویه که از جمله قبرستان‌های سنگی است؛ و قلعه تاروت که بنای آن به ۱۵۲۱ تا ۱۵۲۵ م. بازمی‌گردد از جمله دیگر آثار قَطِيف به‌شمار می‌روند. همچنین در منطقه دارین کتیبه و سنگ‌نگاره‌هایی کشف شده که مربوط به پادشاهان ساسانی است. در چند سال اخیر آثاری از شهری مربوط به دوره ساسانی در این محل کشف شده است. در قَطِيف آثار تاریخی مربوط به عصر آهن نیز کشف شده است. قَطِيف پس از سقوط بابل و ایجاد گرهه پس از ۳۸۰ سال گرفتار زوال شد. از ۱۰۰۰ پ.م. تا ۳۸۰ پ.م. این مرکز پابرجا ماند. در دوره پیش از هخامنشیان قَطِيف بارها به‌دست اقوام کلدانی، سومری، اکدی، آوری، بابلی، هیتی‌ها، فینیقی‌ها، کاسی‌ها و ایلامی‌ها فتح شد و بارها بر سر این منطقه بین طرفین درگیری رخ داد. طبق سنگ‌نوشته‌های بین‌النهرین در ۱۴۴۰ پ.م.، کاسی‌ها «سرزمین دریا» یا همان سواحل قَطِيف را که از حدود ۴۰۰ سال قبل از آن به‌صورت حکومتی مستقل درآمده بود، به حکومت خود در فلات ایران ضمیمه کردند. سپس آشوری‌ها در میانه سال‌های ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ پ.م. بر آن حکمرانی داشتند. در ۶۰۰ تا ۵۶۰ پ.م. بخت‌النصر آن را به بابل ضمیمه کرد. سپس میان ایلامی‌ها و بابلی‌ها منازعه‌ای بر سر این منطقه رخ داد که در نهایت هر دو به نفع هخامنشیان تمام شد. در عصر هخامنشیان، گرهه واقع در نزدیکی قَطِيف اهمیتی خاص یافت. برخی این شهر را مهاجرنشین بابلی می‌دانند که احتمالاً اسرای بابلی را به آنجا فرستاده‌اند. در عهد اشکانی و ساسانی این منطقه همراه با سواحل شمالی خلیج فارس در دست حکام مرزی ایران بود. موقعیت خاص قَطِيف در عهد باستان موجب شد که مهاجرینی از بابل، کلدیه و آشور به این منطقه بیایند. اما از مهاجرت قبایل مختلف به این منطقه از دوره میانی هخامنشیان تا آغاز ساسانی چندان اطلاعات تاریخی در دست نیست. در سال‌های ۴۶ پ.م. تا ۲۲۶ م. قبایل این منطقه با ایجاد حلف تنوخ، مناطق ساحلی میان قطر و شط‌العرب را تحت سیطره خود گرفتند. همزمان قبایل عبدقیس نیز از نجد به این منطقه مهاجرت کردند. به‌طورکلی تا پیش از ظهور اسلام در کل مناطق خط/قَطِيف، اول/جزیره بحرین و هجر احسا فقط سه قبیله عبدقیس (ازدی) و از تهامه، بنی‌تمیم (نزاری و از نجد) و بکرین وائل (از ربیع و از حجاز) به این مناطق مهاجرت کردند.

در بیابان‌های قَطِيف انواع مختلف آهو، بز وحشی، شغال، روباه، خرگوش، موش‌های بزرگ، سوسمار و عقرب زندگی می‌کنند. کبک، تیهو، هوبره و بلدرچین از جمله پرندگان بومی این سرزمین به‌شمار می‌روند.

زبان رسمی در منطقه عربی است و زبان انگلیسی نیز معمول است. دین رسمی قَطِيف اسلام و مذهب رایج تشیع اثنی‌عشری است. اما پیروان اهل سنت به‌خصوص وهابیون به مرور در این منطقه اکثریت را به‌دست می‌گیرند. این منطقه هم‌اکنون از مراکز مهم صید ماهی و از کانون‌های اقتصادی عربستان است. از نظر اهمیت شاخه‌های مهم اقتصادی، در این منطقه صیادی در درجه اول قرار دارد. زراعت در درجه دوم و نفت از درجه سوم اهمیت برخوردار است. طهطلوی در قرن سیزدهم هجری نوشته است که در یمن، سنگ‌های قیمتی مشهور به سنگ‌های قَطِيف ارزش خاص دارد (همان: ۹۲).

اقلام صادراتی این منطقه در طول تاریخ شامل عطر، پشم، لبنیات، خرما، کنجد، گیاهان دارویی و سنگ‌های قیمتی بوده است. شغل مردم قَطِيف در طول تاریخ بیشتر صید مروارید و غواصی بوده و تجارت نیز اهمیت خاص داشته، اما همواره تابعی از اوضاع سیاسی سواحل شمالی خلیج فارس و جزیره بحرین از یکسو و آرامش میان قبایل ساکن در نجد ازسوی دیگر بوده است (حسن ابراهیم، ۱۳۷۶: ۷۷-۱). تجارت نیز در این منطقه از اهمیت خاص برخوردار بوده است. زمانی مروارید قَطِيف بهترین مروارید دنیا محسوب می‌شد (میرزااحمدی، همان: ۹۳). بدین ترتیب، این منطقه در طول تاریخ به‌سبب وجود مروارید اهمیت داشته است. ابولفدا ذکر می‌کند که قَطِيف شهر ناحیه احسا و در سواحل دریای پارس است و دارای صیدگاه‌های مروارید است. او موقعیت قَطِيف را در شمال شرق احسا می‌داند و فاصله قَطِيف تا احسا را دو روز ذکر کرده است (همان: ۶۶-۶۲، ۱۱۴-۱۰۸). در قرن هشتم هجری، قَطِيف از شهر احسا اهمیت بیشتر داشت (همان، ۶۶). ابن‌بطوطه نیز این منطقه را جزء ملوک هرمرز آورده است (ابن‌بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۵۱). حمدالله مستوفی می‌نویسد که قَطِيف و بحرین «جزء ملک ایران» است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۳۷). از جمله مناطق تاریخی قَطِيف می‌توان به سیهان، دارین، سنابس، توبی، خویلدیه و قدیح اشاره کرد. جزیره تاروت در نزدیکی قَطِيف از مراکز مهم تجاری خلیج فارس در دوره باستان به‌شمار می‌رود. اهمیت قَطِيف، جدا از موارد مزبور، به‌علت وجود مراکز تاریخی مهم از جمله جزیره تاروت با ۲۵ کیلومتر مربع مساحت است که خود از چند ناحیه با نام‌های تاروت، دارین، الربیع، سنابس و الزور تشکیل شده است. در این جزیره آثاری از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد به‌دست آمده است. به‌علاوه دارین در طول تاریخ از مراکز مهم صید مروارید بوده است. منطقه تاریخی و سیاحتی قَطِيف شامل نوار ساحلی ممتد است که از رأس تنوره و جبیل در شمال تا شهر دمام در جنوب امتداد دارد. پیش از این، دیواری طولانی فاصله بین این دو منطقه را دربر می‌گرفت که

حسن ابراهیم، حسن. ۱۳۷۶، *تاریخ سیاسی اسلام*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.

مستوفی، حمدالله. ۱۳۸۱، *نزله القلوب*. محقق محمد دبیر سیاقی، قزوین: حدیث امروز.

میرزا احمدی، علیرضا. ۱۳۸۰ ش. ۴۲۳/۱. *الخلیج الفارس عبراتون و الانهار*. تهران: مهد العوم الانسانیه و الدراسات الثقافیه.

سیروان خسروزاده

قفای / Qaffāy

جزیره‌ای مسکونی در شمال شرقی امارات عربی متحده در خلیج فارس متعلق به ابوظبی.

جزیره قفای در مختصات جغرافیایی ۵۸°: ۲۴° عرض شمالی و در ۵۰°: ۵۱° طول شرقی قرار دارد (نقشه سیاسی و تاریخی خلیج فارس، شماره ۱۹۲). این جزیره در ۱۷ کیلومتری جزایر مکاسیب، در ۳۸ کیلومتری جزایر مهیمات، غاغه، خمیس و ام قمیقین و در ۲۷ کیلومتری جزیره فریجید واقع است. نزدیک‌ترین منطقه از کشور امارات به این جزیره، رأس ابوقمیس است. جزیره قفای با دوحه، پایتخت کشور قطر، حدود ۱۰۶ کیلومتر فاصله دارد. فرودگاه‌های نزدیک به این جزیره عبارت‌انداز: ارزنه در ۱۲۱ کیلومتری، الحمرا در ۱۳۱ کیلومتری، زیرکو در ۱۹۵ کیلومتری. همچنین با فرودگاه مهم کشور امارات یا جزیره داس حدود ۱۸۳ کیلومتر فاصله دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۲۸۲).

جزیره قفای از نظر تقسیمات کشوری به شیخ‌نشین ابوظبی تعلق دارد. ارتفاع آن کم و بلندترین نقطه آن حدود ۳۰۰ متر است. در این جزیره، مرجان‌ها توانسته‌اند در سال‌های متوالی صخره‌هایی را ایجاد کنند. در اطراف جزیره قفای، برخی مناطق دریا به سبب نزدیکی به ساحل کم‌عمق است. عمق این نواحی در بعضی موارد مانع کشتیرانی می‌شود (هاولی، ۱۳۷۷: ۳۲۳-۳۲۲). برای مثال، ام‌النمبر ناحیه‌ای کم‌عمق در اطراف جزیره است که در فاصله ۲۲ کیلومتری از جزیره، محیطی غیرقابل کشتیرانی را به‌وجود آورده است (همان).

ویژگی‌های طبیعی و همچنین زیست‌بوم به‌وجود آمده در اثر وجود برخی گیاهان دریایی، جزیره قفای را به قطب گردشگری تبدیل کرده است. این جزیره به‌عنوان زیستگاه برخی از گونه‌های پرندگان محسوب می‌شود. بسیاری از پرندگان مهاجر در فصل زمستان به سبب شرایط مناسب به لانه‌گزینی و تخم‌گذاری در این جزیره می‌پردازند. در فصل تخم‌گذاری تعداد زیادی لاک‌پشت دریایی برای لانه‌گزینی و تخم‌گذاری به این جزیره روی می‌آورند (www.ipis.ior). همسایگی این جزیره با جزایر دیگر و مسیرهای دریایی که از آن عبور می‌کنند، جزیره قفای را با جاذبه‌های خاص خود برای گردشگران بسیار با اهمیت کرده است. یکی از ویژگی‌های مهم جزیره قفای بازارهای آن است. وجود بازارهای بزرگ موقعیتی ویژه به این جزیره داده است. در کشور امارات

پیامبر(ص) در آغاز بعثت علاء حضرمی را با نامه‌ای به نزد منذر بن ساوی، حاکم قتیف و بحرین، فرستاد. وی مردم آنجا را به اسلام دعوت کرد و آنان اسلام آوردند. اما پس از مرگ پیامبر(ص) به همراه قبیله عبدقیس به پیامبری دروغین گرویدند. لیکن سپاهیان ابوبکر مدتی بعد وی را شکست دادند و قتیف تابع مدینه شد. در آغاز عصر امویان، قتیف مدتی در دست خوارج بود. در نهایت، خلیفه عبدالملک سپاهی را مأمور بحرین کرد و آنجا را گرفت. در آغاز عصر عباسی نیز عبدالرحمن داخل در قتیف شورش کرد، اما منصور عباسی آنان را شکست داد. قمرمطیان در ۲۸۳ ق. شورش همه‌جانبه را علیه خلافت آغاز کردند. رهبر شورشیان با فتح قتیف آنجا را به پایتختی برگزید. پس از شکست قمرمطیان، دولت عیونی/Ayounids روی کار آمد که تا نیمه قرن ۵۷ق. در این منطقه حاکم بودند.

در دوره قرامطه، هجر بزرگ‌ترین شهر منطقه احسا و مرکز قرامطه بود. در قرون میانه قتیف و حفوف را جزء منطقه احسا و بحرین می‌دانستند. در همین قرن همچنان نام هجر به‌جای احسا به‌کار برده می‌شد. طهطاوی می‌نویسد که حکام هجر بنی‌خالد هستند که تحت تابعیت وهابون قرار دارند. او می‌نویسد که هجر را احسا نیز می‌نویسند (میرزا احمدی، همان: ۱۰۸، ۹۳).

قتیف در ۹۳۲ ق. ۱۵۲۴م. به‌دست حاکم بصره فتح شد. در نتیجه، دوره‌ای جدید از منازعات سیاسی، که تا قرن بیستم ادامه یافت، قتیف را گرفتار نوعی رکود اقتصادی کرد. در منازعاتی که میان دولت عثمانی و پرتغالی‌ها بر سر نفوذ در سواحل شبه‌جزیره عربستان بروز کرد، اهالی قتیف جانب دولت عثمانی را گرفتند. به‌همین علت این شهر گرفتار عقوبت سختی از طرف حاکم پرتغالی هرمز شد؛ به‌طوری‌که شهر پس از غارت گرفتار آتش‌سوزی مهیب شد و بسیاری از زیربناهای اقتصادی خود را از دست داد. کاهش اهمیت شهر قتیف را باید مربوط به قرون هشتم و نهم هجری یعنی مربوط به بروز تغییراتی در نظام تجاری خلیج فارس دانست که دو سوی سواحل این دریا را تحت تأثیر خود قرار داد و موجب ترقی برخی جزایر و بنادر و به تبع آن کاهش اهمیت برخی دیگر از مراکز تجاری شد. با آغاز ورود پرتغالی‌ها به خلیج فارس، منطقه قتیف از مدت‌ها قبل اهمیت اقتصادی خود را از دست داده بود. ورود استعمارگران غربی به این منطقه و تسلط آنان بر مراکز مهم تجاری اقیانوس هند و دریاهای اطراف آن، موجب شد که راه‌های تجاری شبه‌جزیره عربستان نیز به تدریج اهمیت خود را از دست بدهد. از این پس، شهرهای واقع در سواحل جنوب غربی خلیج فارس در مقابل مراکز هم‌چون جزیره بحرین، بصره و دیگر شهرهای سواحل شمالی خلیج فارس اهمیت خود را از دست دادند. در قرن سیزدهم هجری منطقه قتیف به خویر/ Khobar تغییر نام داد و حفوف به مرکزیت این ولایت ساحلی انتخاب شد.

کتاب‌شناسی

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. ۱۳۷۰، *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد، تهران: آگاه.